

ارزیابی اثرات سیاست های مالی دولت از مسیر تغییر در درآمدهای مالیاتی بر اشتغال در ایران

دکتر مهدیه رضاقلی زاده^{۱*}

تاریخ دریافت: ۹۳/۸/۵ تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۱۶

چکیده

با توجه به تاثیر سیاست های مالی دولت بر متغیرهای کلان اقتصادی، آگاهی از تاثیرات کوتاه مدت و بلندمدت این سیاست ها به منظور پیش بینی نتایج آنها و اعمال مناسب این سیاست ها ضرورت می یابد. به همین منظور در این مطالعه تاثیر سیاست مالی دولت از مسیر تغییر در درآمدهای مالیاتی دولت بر اشتغال را با استفاده از الگوی تصحیح خطای برداری، استخراج توابع واکنش آنی^۱ و تجزیه واریانس و همچنین آزمون هم انباشتگی در ایران مورد بررسی قرار خواهیم داد و روابط کوتاه مدت و بلندمدت میان متغیرها را ارزیابی خواهیم نمود. بدین منظور از داده های سری زمانی سال های ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۱ برای تخمین مدل استفاده شده است. با توجه به برآورد معادلات بلندمدت و معنی دار بودن ضرایب به دست آمده می توان گفت رابطه تعادلی بلندمدت بین افزایش مالیات ها و اشتغال وجود داشته و طی دوره مورد بررسی، افزایش مالیات ها بر ایجاد اشتغال تاثیر منفی دارد.

واژه های کلیدی: درآمدهای مالیاتی دولت، اشتغال، الگوی تصحیح خطای برداری (VECM).

طبقه بندی JEL: E۶۲، C۳۲.

۱. مقدمه

که مورد بحث و بررسی بسیاری از صاحب نظران اقتصادی قرار گرفته است. در میان این مباحث، مسئله اصلی این است که آیا سیاست های مالی انبساطی و انقباضی در شرایط مختلف اقتصادی می توانند به نحو موثر و مداوم متغیرهای کلان را تحت تاثیر قرار دهند؟ در مورد تاثیرگذاری سیاست های مالی بر متغیرهای کلان اقتصادی صرف نظر از اینکه از مکانیزم آن بطور کامل آگاهی داشته باشیم یا خیر و یا اینکه این سیاست در چه کشوری از نظر درجه توسعه یافتگی و نیافتگی اجرا می شود، توافق وجود دارد. مثلاً فیلیپ اریستیس^۵ در مقاله خود به این نکته اشاره می کند که با توجه به شواهد موجود در کشورهای در حال توسعه، نتایج حاصل از اعمال سیاست های مالی در این کشورها با کشورهای توسعه یافته مشابه می باشد و اعمال سیاست های مالی در کشورهای در حال توسعه نیز مفید واقع شده اند. به همین منظور با توجه به اینکه کشور ایران

عملکرد سیاست های مالی توسط دولت همواره یکی از موضوعات مورد بحث در اقتصاد کلان بوده است. سیاست گزاران اقتصادی در هر جامعه ای با سیاست های پولی (در اختیار بانک مرکزی) و مالی (در کنترل دولت) قادرند اقتصاد را تحت تاثیر قرار دهند. پولیون ادعا می کنند، از آنجایی که شوک های مالی مثبت ممکن است با واکنش های غیر منتظره از طرف بخش خصوصی مواجه شوند، لذا به میزان زیادی اثر خود را از دست می دهند^۲ و در حقیقت واکنش های بخش خصوصی، ممکن است باعث از بین بردن آثار سیاست های مالی دولت شوند. در حالیکه مالیون معتقدند با سیاست های مالی می توان سطح اشتغال و قیمت ها را کنترل کرد (وان و گارتسن، ۲۰۰۳)^۳ و (پوزیل، ۲۰۰۱)^۴. بحث اینکه دخالت دولت در اقتصاد تا چه حد می تواند بر ارتقاء کمی و کیفی نظام اقتصادی تاثیر گذار باشد سال هاست

^۱ استادیار و عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه مازندران *پست الکترونیکی نویسنده اصلی: Mahdieh_rezagholizadeh@yahoo.com

1. Impulse Response Function

3. Van Aarle .B and Garretsen .H, 2003

۲. این وضعیت، به بی تاثیری سیاستی (Policy Ineffectiveness) معروف است.

4. Pozzil, 2001

5. Philip Aristis, 2003

۲- مبانی نظری

۲-۱- سیاست های مالی و ابزارهای آن

سیاست مالی به مجموعه ای از تصمیماتی می گویند که توسط دولت و از طریق ابزارهایی نظیر تغییر در هزینه های دولتی و مالیات اتخاذ می شود و سعی می کند به اهداف معین اقتصادی نایل گردد و یکی از نقاط تلاقی سیاست و اقتصاد است، زیرا شرایط سیاسی نقش بسیار مهمی در تعیین هدف یا هدفهای سیاست مالی دارد. زمانی که دولت گریبان گیر مسایل اجتماعی و پیامدهای ناشی از آن باشد، راهی را انتخاب می کند که به حل یا کاهش معضلات منتهی گردد. به عنوان مثال اغلب دولت ها در هنگام انتخابات، سیاست کاهش تورم^۲ و افزایش کمک های بلاعوض برای رفاه عمومی را در پیش می گیرند. در صورتی که مهم ترین هدف دولت کاهش وابستگی اقتصادی و حفظ استقلال باشد، تلاش می کند در مخارج ارزی خود به نحوی صرفه جویی کند که تا حد امکان گرفتار کسری تراز پرداخت ها^۳ و بدهی به دولت های خارجی نگردد. در صورتی که بیکاری مشکل عمده باشد، هدف اصلی را ایجاد اشتغال و افزایش تولید قرار داده و سیاست مالی مناسب اهداف مذکور انتخاب می کند. در صورتی که مشکل عمده تورم باشد، سیاست مالی شکل ضد تورمی به خود می گیرد.

سیاست های مالی شامل سیاست مالی انبساطی و سیاست مالی انقباضی است. سیاست مالی انبساطی در شرایط عدم اشتغال کامل و به ویژه در شرایط کساد بازار و اقتصاد انتخاب می شود و عبارت از افزایش مخارج دولت و کاهش مالیات ها به منظور بسط فعالیت اقتصادی و رفع شکاف انقباضی است. سیاست مالی انقباضی در شرایط پراشتغالی و تورم ناشی از بهره برداری اضافی از منابع تولید انتخاب می شود و سیاست مناسبی جهت کاهش فشار تقاضا و تورم و یا رفع شکاف تورمی از طریق افزایش مالیات ها و کاهش مخارج دولتی به شمار می رود.

انجام وظایف اجرایی در کشورها معمولاً به دولت محول می شود. در نتیجه عملی ساختن طرح ها و برنامه هایی که در این چارچوب قرار می گیرد، متضمن مخارجی است که

یکی از کشورهای در حال توسعه محسوب می شود و با توجه به ساختار اقتصادی این کشور که تصمیمات دولت نقش تعیین کننده در آن دارد، بررسی تاثیر این سیاست ها بر متغیرهای کلان اقتصادی ضرورت می یابد.

اشتغال یکی از مهم ترین متغیرهای کلان می باشد که سیاست های مالی دولت می تواند به طرق مختلف باعث تغییر آن شود. در طی سال های اخیر افزایش عرضه نیروی کار از یک طرف و پایین بودن نرخ رشد تقاضای بازار کار، افزایش نرخ بیکاری را در پی داشته است. سیاست های مالی دولت با ایجاد عدم تعادل در بازار کار سبب تغییر در نرخ بیکاری و در نتیجه میزان تولید و رشد اقتصادی می گردد. ویژگی های سیاست های مالی اعمال شده، مانند موقتی یا دائمی بودن و منشأ آنها (کاهش مخارج عمومی، افزایش مالیاتها و یا کاهش پرداختهای انتقالی به مردم)، می توانند اثرات متفاوتی بر این متغیرها و به طور کلی اقتصاد برجای بگذارند.^۱ طرفداران سیاست مالی بر این باورند که میزان تغییرات کوچک در مالیات ها می تواند اثر قابل توجهی بر سطح تقاضای کل به وجود آورده و به تبع آن، سطح اشتغال را نیز تحت تاثیر قرار دهد. از سوی دیگر از آن جایی که بازار کار و عرضه و تقاضای نیروی کار یکی از حیطه های مهم اقتصاد و از مباحث مهم در سیاست گذاری هاست و تغییرات آن می تواند تاثیرات بسیار زیادی بر جامعه داشته باشد، سیاست گذاران همواره علاقه مند به تحلیل و بررسی بازار کار و اشتغال می باشند. لذا با توجه به اهمیت این مسئله که اتخاذ سیاست های دولت می تواند بر میزان اشتغال تاثیرگذار باشد، در این تحقیق به بررسی چگونگی اثرات سیاستهای مالی از مسیر تغییر در درآمدهای مالیاتی بر اشتغال در اقتصاد ایران طی دوره زمانی ۸۷-۱۳۵۰ خواهیم پرداخت تا تاثیر اعمال سیاست های مالی دولت بر متغیر اشتغال را مشخص نمائیم. بدین منظور، در ادامه پس از ارائه مبانی نظری و پیشینه تحقیق، الگوی تجربی مناسب مطرح می شود. در قسمت بعدی تحقیق، پس از معرفی داده ها و روش شناسی تحقیق، الگوی رگرسیونی مدل مورد نظر برآورد شده و نتایج بدست آمده تجزیه و تحلیل خواهند شد.

کینز مسائل را در یک دوره کوتاه مدت مورد توجه قرار داده و از نظر وی تمام فعالیت های اقتصادی، به ویژه سطح اشتغال به درآمد بستگی دارد. به اعتقاد کینزین ها فقط سیاست مالی و تغییرات مخارج کل سبب تغییر اشتغال و درآمد می شوند. پول گرایان با تاکید بر نقش پول در اقتصاد، سیاست مالی را بر اشتغال موثر نمی دانند. کلاسیک های جدید نیز با پذیرفتن فرضیه انتظارات عقلایی، بر بی اثر بودن سیاست مالی روی اشتغال تاکید دارند.

اعمال سیاست های مالی توسط دولت باعث تغییر در مخارج دولت و یا برنامه مالیات دولت می شود و در نتیجه باعث انتقال منحنی تقاضا می شود. به طور کلی، اتخاذ هرگونه سیاست های مالی اعم از تعدیل هزینه های دولت و یا تغییر در نرخ ها و مشوق های مالیاتی بر مؤلفه های بازار کار شامل تقاضا و عرضه نیروی کار تأثیر گذاشته و منجر به تعیین سطوح جدیدی از اشتغال و دستمزد واقعی می گردد. سیاست های مالی دولت با ایجاد عدم تعادل در بازار کار سبب تغییر در نرخ بیکاری و در نتیجه میزان تولید و رشد اقتصادی می گردد. ویژگی های سیاست های مالی اعمال شده، مانند موقتی یا دائمی بودن و منشأ آنها (کاهش مخارج عمومی، افزایش مالیات ها و یا کاهش پرداخت های انتقالی به مردم)، می توانند اثرات متفاوتی بر این متغیرها و به طور کلی اقتصاد بر جای بگذارند.

سیاست درآمدی تلاش می کند تا با انتقال عمودی عرضه کار منحنی عرضه جمعی را انتقال دهد، این امر، دستمزد اسمی تقاضا شده توسط نیروی کار برای عرضه هر مقدار مشخص کار را در قبال سطح قیمت تغییر می دهد. سیاست های درآمدی عموماً برای کند کردن نرخ افزایش قیمت در موقعیتی که منحنی عرضه کار به دلیل انتظارهای کارگران نسبت به افزایش دستمزد واقعی به بالا منتقل می گردد، مورد استفاده قرار می گیرد. برای درک بیشتر تأثیرات سیاست های مالی بر متغیرهای کلان اقتصادی نظیر اشتغال، از الگوی ایستای کلان به شرح زیر استفاده می کنیم:

در طرف تقاضای اقتصاد شرایط تعادل برای بازار محصول عبارتست از:

برای تامین آن لازم است منابع درآمدی نیز موجود باشد و مورد استفاده قرار گیرد. به عبارت دیگر، دولت باید به انجام یکی از مهم ترین وظایف مالی خود یعنی تنظیم بودجه دست بزند و با توجه به احتیاجات و امکانات موجود در آینده، پیش بینی کند که در یک سال آینده (که عموماً سال مالی خوانده می شود) چه هزینه ای را باید در بخش های مختلف متحمل شود و منابع درآمد قابل استفاده برای تامین این هزینه کدام است.

با توجه به این دو عنصر بودجه دولتی، یعنی دریافت ها و پرداخت ها، می توان ابزار سیاست مالی دولت را به دو گروه اولیه تقسیم کرد:

الف: ابزاری که در جهت دریافت ها یا منافع درآمد دولت به کار می رود، مانند مالیات ها و اوراق قرضه و نظایر آن
ب: ابزاری که در جهت پرداخت یا مخارج اعمال می گردد، مانند سیاست کسر بودجه.

با استفاده از ابزار سیاست های مالی دولت می تواند در مقادیر کلان مانند تولید، مصرف، سرمایه گذاری، سطح قیمتها، نرخ اشتغال و ... تأثیر بگذارد.

۲-۲- سیاست های مالی (از مسیر درآمدهای مالیاتی) و اشتغال

اشتغال یکی از مهم ترین متغیرهای کلان می باشد که سیاست های مالی و پولی و شاید سیاست های درآمدی از ابزارهای مهم در دست دولت برای کاهش بیکاری (افزایش اشتغال) به شمار می روند و می توانند به طرق مختلف باعث تغییر آن گردند. مکانیسم اثرگذاری سیاست های مالی بر اشتغال در طی زمان دستخوش تحولاتی شده است. نظریات مکاتب مختلف اقتصادی پیرامون اشتغال و چگونگی اثرگذاری سیاست های مالی بر این متغیر متفاوت است، به گونه ای که کلاسیک ها با اعتقاد به مکانیسم بازار و قیمت ها، مالیات را به عنوان یک اهرم مالی خنثی محسوب نموده و بیان می دارند که سیاست های مالی بر اشتغال بی اثر است و لذا باید به گونه ای مالیات ها را وضع نمود که انحرافی در تصمیمات اقتصادی افراد و بنگاه ها ایجاد نشود.

انبساطی است که موجب افزایش در تقاضای کل جامعه، افزایش تولید و اشتغال می شود. در کوتاه مدت، برآیند این دو اثر که دولت همه ی مالیات های دریافتی را هزینه می کند، تابع موارد زیر است:

الف) از یک سو تابع میزان کاهش مصرف خانوارهاست که به نوبه ی خود به عواملی چون میل متوسط به مصرف و ترکیب هزینه های مصرفی آنها وابسته است.

ب) از سوی دیگر به ترکیب انواع هزینه های دولت و تاثیر آن ها بر اقتصاد بستگی خواهد داشت.

بنابراین در صورتی که برآیند اثرات انقباضی و انبساطی اعمال این سیاست منجر به افزایش تقاضا شود، نتیجه ی آن منحنی تقاضا را به سمت راست انتقال می دهد. نتایج این سیاست از طریق تغییرات در عرضه و تقاضای کل، تولید حقیقی و سطح اشتغال جامعه را متاثر می کند.^۱

۳- مطالعات انجام شده

به منظور بررسی تاثیرات سیاست های مالی بر متغیرهای کلان اقتصادی نظیر اشتغال، مطالعات متعددی در داخل و خارج از کشور انجام شده است. بر اساس مطالعات انجام شده در ایران و دیگر کشورها، اخذ مالیات گاهی موجب کاهش اشتغال در بخش های اقتصادی می شود. البته به نظر می رسد این کاهش نیز تا حد زیادی تابع شرایط بازار کار و میزان تاثیر مالیات بر شاخص های قیمت ها باشد. به عنوان مثال با وجود این که نتایج تحقیقات تقوی و رضایی (۱۳۸۳) حاکی از عدم واکنش معنی دار اشتغال به سبب افزایش مالیات ها در کشور است، بر اساس مطالعات عباسیان (۱۳۸۵)، عدم اطمینان ناشی از نوسانات مالیاتی تاثیر منفی بر اشتغال در بخش های صنعت، خدمات و کشاورزی کشور بر جای گذاشته است.

- میازاکی (۲۰۱۰)^۲، در مطالعه ای تحت عنوان "تاثیر سیاست های مالی بر کشور ژاپن در دهه ۹۰: تجزیه و تحلیل VAR با مطالعات گذشته" به بررسی سیاست های مالی اتخاذ شده در کشور ژاپن بر متغیرهای کلان اقتصادی نظیر بیکاری، مصرف بخش خصوصی، سرمایه گذاری

$$IS: y \equiv c(y, 0, t(y)) \cdot i(r) \cdot g \quad (۱)$$

و برای بازار پول داریم:

$$LM: \frac{M}{P} \equiv L(r) \cdot K(y) \quad (۲)$$

از طرف دیگر تعادل در بازار کار برابر است با:

$$P \cdot f(N) \equiv P^e \cdot g(n) \quad 0 @ p \downarrow \uparrow \quad (۳)$$

تعادل در بازار کار، اشتغال را به صورت تابعی از سطوح قیمت بدست می دهد. تغییر اشتغال بر حسب تولید توسط تابع تولید صورت می گیرد و به شرح زیر است:

$$y \equiv y(N, \bar{K}) \quad (۴)$$

که در این تابع تولید میزان تولید واقعی (y) تابعی از نهاده نیروی کار (N) و سطح انباشت سرمایه و سایر نهاده ها (K) می باشد و با هر افزایش در نهاده میزان تولید افزایش می یابد. (بیک زاده، ۱۳۸۳).

از سوی دیگر می توان گفت مالیات ها که از منابع درآمدی دولت هستند، می توانند سبب کاهش کسری بودجه و در نتیجه مانع استفاده از سیاست های انبساطی پولی شوند. طرفداران سیاست مالی بر این باورند که میزان تغییرات کوچک در مالیات ها می تواند اثر قابل توجهی بر سطح تقاضای کل به وجود آورد و به تبع آن، سطح اشتغال را نیز تحت تاثیر قرار دهد. معمولاً درآمدهای حاصل از مالیات ها در جهت تامین مخارج دولت مورد استفاده قرار می گیرند، اما برخلاف اخذ مالیات ها که دارای اثر انقباضی است، مخارج دولت موجب افزایش تقاضای کل در جامعه می شود که با فراهم بودن امکان گسترش تولیدات بخش ها، زمینه افزایش تولید و اشتغال برای نیروی انسانی را فراهم می کند. به این ترتیب در یک جمع بندی کلی در صورتی که دولت اقدام به اخذ مالیات نماید، افزایش قیمت ناشی از دریافت مالیات ها (مثلاً مالیات بر مصرف) سبب کاهش قدرت خرید مصرف کنندگان (خانوارها) و در نتیجه کاهش در مصرف آنها می شود، یعنی موجب کاهش تقاضای کل و اشتغال شده و به عبارت دیگر اثر انقباضی بر اقتصاد دارد. در مقابل، زمانی که دولت مبالغ حاصل از درآمد مالیات ها را هزینه می کند، این سیاست دارای یک اثر

و صنعت) طی دوره زمانی ۸۳-۱۳۵۷ پرداختند. نا اطمینانی حاصل از نوسانات مالیات ها، بر اساس روش GARCH اندازه گیری شده و اثر آن بر بخش های مختلف اقتصادی، با روش OLS تخمین زده شده است. بر طبق نتایج به دست آمده، تاثیر عدم اطمینان سیاست های مالی - بعد مالیاتی سیاست های مالی - بر بخش صنعت، خدمات و بخش کشاورزی، منفی است.

- صدیف بیک زاده (۱۳۸۳)، در مطالعه‌ای تحت عنوان بررسی تاثیر سیاست های پولی و مالی بر مصرف و اشتغال در بخش کشاورزی، به بررسی تاثیرات اعمال سیاست های پولی و مالی بر سطح اشتغال و میزان مصرف در بخش کشاورزی ایران طی دوره زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۰ پرداخت. وی در این تحقیق از یک الگوی خودرگرسیون برداری ساختاری جهت تجزیه و تحلیل داده ها استفاده کرد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می دهند که تاثیر سیاست های پولی و مالی دولت بر اشتغال در بخش کشاورزی در کوتاه مدت و بلندمدت مثبت است، بطوریکه با افزایش ۱۰ درصد ابزارهای پولی و مالی در درازمدت به ترتیب ۱/۳ و ۱/۲ درصد اشتغال در بخش کشاورزی افزایش می یابد. ایجاد شوک در حجم نقدینگی باعث افزایش با نرخ کاهنده اشتغال بخش کشاورزی تا سال هفتم شده و شوک مخارج دولت نیز باعث افزایش اشتغال با نرخ کاهنده تا سال سوم می شود.

- حاتمی زاده و میرشمسی (۱۳۸۳) در مقاله ای با استفاده از مدل های اقتصاد سنجی اثر گذاری سیاست های مالی (مخارج و مالیات ها) را که دولت در قالب برنامه های توسعه و قوانین بودجه سالانه اتخاذ می کند، بر سطح اشتغال مورد ارزیابی قرار داده اند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که یک درصد کاهش در میزان بیکاری به ۰/۹ درصد رشد تولید ناخالص داخلی منتهی می شود و همچنین در افق زمانی بلند مدت، افزایش دائمی مخارج دولت و در کوتاه مدت کاهش مالیات ها می تواند موجب کاهش بیکاری شود.

- تقوی و رضایی (۱۳۸۱)، در مطالعه‌ای به بررسی تاثیرات مخارج دولت و مالیات ها بر مصرف و اشتغال با

بخش خصوصی و سطح قیمت ها با استفاده از تکنیک خودرگرسیون برداری پرداخت. بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه تاثیرات منفی اعمال سیاست های مالی بر متغیرهای کلان در دهه ۹۰ در این کشور وسیع تر و پایدارتر از تاثیرات مثبت آن بود. بر اساس نتایج بدست آمده کاهش مالیات ها در این اواسط دهه ۹۰ در این کشور باعث افزایش بیکاری در این کشور گردید.

- بروسنس (۲۰۰۷)^۱، در مقاله ای به بررسی تاثیر مخارج و بدهی های دولت بر اشتغال، میزان مصرف بخش خصوصی و پس انداز در کشورهای عضو گروه OECD پرداختند. بر اساس نتایج حاصل از این مطالعه شوک های مالی مثبت باعث افزایش اشتغال و شوک های مالی منفی باعث کاهش اشتغال در این کشورها می شوند.

- کاسترو (۲۰۰۶)^۲ در مطالعه‌ای تحت عنوان "تأثیرات کلان اقتصادی سیاست های مالی در اسپانیا"، به بررسی اثرات سیاست های مالی بر متغیرهای کلان اقتصادی در کشور اسپانیا با استفاده از الگوی (VAR) پرداخت. وی در این مطالعه به این نتیجه رسید که شوک های مالی تأثیری قوی و معنی دار بر میزان مصرف بخش خصوصی، سرمایه گذاری بخش خصوصی، نرخ بهره و میزان اشتغال در این کشور دارند.

- شریفی (۱۳۹۰) در مقاله ای تحت عنوان "اثرات مالیات غیرمستقیم و مخارج دولت بر اشتغال و تورم: یک تحلیل داده- ستانده" به مطالعه برآیند اثرات اخذ مالیات های غیرمستقیم از تولیدات بخش های مختلف برای تامین انواع هزینه های دولت پرداخته و با استفاده از مدل های داده- ستانده، تاثیر این سیاست ها را بر اشتغال و تورم ناشی از فشار هزینه ای مورد بررسی قرار داده است. یافته های این تحقیق نشان می دهد که اجرای این سیاست سبب افزایش شاخص های قیمت تولید کننده و ارتقای سطح اشتغال در جامعه می شود، هرچند که میزان این اثرات در بخش های مختلف یکسان نیست.

- عباسیان و همکاران (۱۳۸۵) در مطالعه ای به بررسی اثر عدم اطمینان حاصل از نوسانات مالیات بر اشتغال بخش های عمده اقتصادی ایران (شامل بخش کشاورزی، خدمات

که در مدل بالا متغیر وابسته Y و بردار متغیرهای توضیحی P به ترتیب عبارتند از:

$$Y \equiv \ln EM$$

$$P \equiv \ln GDP, \ln TAX$$

$$Y \equiv \ln EM$$

$$P \equiv \ln GDP, \ln TAX$$

که:

$\ln EM$ ، نشان دهنده لگاریتم طبیعی کل اشتغال در بخش های مختلف اقتصادی کشور می باشد.

$\ln GDP$ ، نشان دهنده لگاریتم طبیعی تولید ناخالص داخلی بدون نفت

$\ln TAX$ ، نشان دهنده لگاریتم طبیعی کل مالیات هایی است که توسط دولت اخذ می شود.

جهت بررسی پویایی های کوتاه مدت و بلندمدت این مدل از روش الگوی تصحیح خطای برداری و آزمون یوهانسون- جوسیلیوس و استخراج توابع واکنش و تجزیه واریانس^۲ استفاده می شود.

۴-۱- آزمون ایستایی^۳ متغیرها

مدل سازی اقتصاد سنجی با استفاده از داده های سری زمانی و روش های مرسوم، مبتنی بر فرض مانایی متغیرهای سری زمانی است و اولین گام برای تحلیل های اقتصاد سنجی، مانا نمودن متغیرها است. برای بررسی مانایی متغیرها در مطالعه حاضر از آزمون ریشه واحد تعمیم یافته دیکی فولر^۴ استفاده شده است. نتایج حاصل از انجام این آزمون برای متغیرهای استفاده شده در مدل بالا، در جدول زیر نشان داده شده است:

جدول (۱): آزمون دیکی فولر تعمیم یافته برای بررسی پایایی متغیرها**

متغیر	آماره دیکی-فولر	مقدار بحرانی در سطح ۱ درصد	مقدار بحرانی در سطح ۵ درصد	مقدار بحرانی در سطح ۱۰ درصد
اشتغال**	-۲/۹۷۳۷۲۳	-۳/۶۲۶۷۸۴	-۲/۹۴۵۸۴۲	-۲/۶۱۱۵۳۱
تولید ناخالص داخلی**	-۳/۴۷۹۵۸۸	-۴/۲۵۲۸۷۹	-۳/۵۴۸۴۹۰	-۳/۲۰۷۰۹۴
مالیات**	-۳/۳۴۸۶۲۸	-۳/۶۹۹۸۷۱	-۲/۹۷۶۲۶۳	-۲/۶۲۷۴۲۰

منبع: محاسبات تحقیق

استفاده از تکنیک های سری زمانی (مدل خود رگرسیون برداری) پرداختند. ایشان در این مطالعه از آمار سری زمانی متغیرها طی سال های ۵۰-۸۱ استفاده نموده اند. بر اساس نتایج حاصل از این تحقیق، بین اشتغال و متغیرهای سیاست مالی و همچنین بین مصرف و متغیرهای سیاست مالی روابط بلندمدت وجود دارد. این رابطه از طریق آزمون هم انباشتگی یوهانسن تخمین زده شده و نتایج نشان می دهد که در اثر شوک مثبت مخارج دولت، مصرف و اشتغال هر دو افزایش می یابند در حالی که شوک منفی مالیات مصرف را کاهش و اشتغال واکنش معنی داری در برابر این شوک از خود نشان نمی دهد.

۴-۲ برآورد مدل تحقیق

در این قسمت از تحقیق با استفاده از داده های سری زمانی جمع آوری شده برای اقتصاد ایران به صورت سالانه و با تکیه بر ابزارهای اقتصاد سنجی، تاثیرات اعمال سیاست های مالی دولت از مسیر تغییر در مالیات ها بر اشتغال در ایران طی دوره زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۹۱ مورد ارزیابی و آزمون تجربی قرار می گیرد. بدین منظور بر اساس مبانی نظری تحقیق و با استفاده از مطالعات انجام شده قبلی الگوی مناسب جهت تجزیه و تحلیل و بررسی تاثیرات اعمال سیاست های مالی بر اشتغال در ایران ارائه می شود. سپس مدل موردنظر با استفاده از تکنیک اقتصادسنجی تصحیح خطای برداری^۱ (VECM) به بوطه آزمون و بررسی گذاشته می شود.

مدل مورد بررسی در این تحقیق به صورت زیر ارائه می شود:

$$Y_t \equiv C(1) \cdot \prod_{i=0}^k \varepsilon_{1,i} Y_{t0i} \cdot \prod_{i=0}^k \varepsilon_{2,i} P_{t0i} \cdot U_t \quad (5)$$

1. Vector Error Correction Model
2. Variance Decomposition

3. Stationary test
4. Augmented Dickey- Fuller Unit Root Test

* در سطح ایستا هستند
** با یک تفاضل ایستا می شوند

و ماکزیمم مقادیر ویژه^۲ استفاده می شود. نتایج این آماره ها بر اساس پنج الگوی بررسی شده در جدول (۲) آمده است. برای تعیین تعداد بردارهای هم انباشتگی و انجام آزمون جوهانسون، لازم است در خصوص قائل شدن عرض از مبدا و روند زمانی در بردار همجمعی، الگوی مناسب انتخاب گردد، که در این رابطه پنج الگو مورد آزمون قرار می گیرد. این ۵ الگو را از مقید ترین شکل آن که الگوی اول است تا نامقید ترین شکل آن که الگوی پنجم است برآورد می کنیم. تمامی کمیت های آماری آزمون مندرج در سطر اول این جدول از مقادیر بحرانی ارائه شده توسط جوهانسون و جوسلیوس بزرگ تر هستند. در نتیجه فرضیه $r=0$ بر اساس هر پنج الگوی یاد شده رد می شود. در مرحله بعدی فرضیه صفر (وجود یک بردار هم انباشتگی) در برابر فرضیه مقابل (وجود دو بردار هم انباشتگی) در دو الگوی اول و دوم بر اساس آماره های $Trace$ و Max رد می شوند لیکن در الگوی سوم پذیرفته می شوند. در نتیجه الگوی سوم مناسب ترین الگوی برای تحلیل هم انباشتگی مدل ارائه شده در این مطالعه می باشد.

همان طور که در جدول ۱ مشاهده می شود تمام متغیرهای استفاده شده در این تحقیق با یک تفاضل ایستا می شوند و در سطح ایستا نیستند. اگر همه متغیرها ایستا باشند در آن صورت استفاده از یک مدل VAR ساده مناسب خواهد بود ولی اگر متغیرها نایستا باشند باید از یک مدل VAR نامقید با متغیرهای تفاضل گیری شده استفاده کرد که در این صورت اطلاعات بلندمدت بین متغیرهای مدل از بین می رود و باعث کاهش کارایی تخمین با نمونه های محدود می شود. به همین منظور در این تحقیق از روش تصحیح خطای برداری به منظور رسیدن به تخمین های کارا استفاده می شود.

۲-۴- الگوی تصحیح خطای برداری و تعیین تعداد بردارهای هم انباشتگی

قبل از تخمین مدل تحقیق با استفاده از مدل تصحیح خطای برداری (VECM)، ابتدا لازم است تا تعداد بردارهای هم انباشتگی مشخص شود. برای این منظور از آماره های تریس^۱

جدول (۲): آزمون جوهانسون-یوسیلیوس برای تعیین تعداد بردارهای هم انباشتگی

			الگوی I	الگوی II	الگوی III	الگوی IV	الگوی V
Trace	$r=0$	$r \geq 1$	۱۱۸/۱۱۲	۱۴۳/۰۴	۱۴۵/۲۱	۱۷۶/۷۷	۱۶۸/۴۹
	$r \leq 1$	$r \geq 2$	۶۸/۱۱	۹۴/۲۶	۸۸/۵۲	۱۰۷/۹۲	۱۰۳/۶۹
	$r \leq 2$	$r \geq 3$	۳۴/۰۶	۶۰/۲۶	۵۵/۵۲	۷۰/۸۳	۶۶/۶۲
	$r \leq 3$	$r \geq 4$	۱۴/۳۹	۳۱/۱۶	۲۷/۳۱	۳۸/۷۴	۳۶/۱۶
Max	$r=0$	$r=1$	۵۱/۱۰	۵۸/۶۴	۵۷/۵۹	۶۸/۸۳	۶۴/۷۰
	$r \leq 1$	$r=2$	۳۳/۹۵	۳۴/۱۰	۳۴/۱۰	۳۷/۰۸	۳۷/۰۶
	$r \leq 2$	$r=3$	۱۹/۶۹	۲۹/۰۴	۲۸/۲۰	۳۲/۲۳	۳۰/۴۶
	$r \leq 3$	$r=4$	۹/۱۱	۱۸/۶۳	۱۷/۵۷	۲۴/۶۸	۲۴/۶۸

منبع: محاسبات تحقیق

بردار هم انباشتگی و تعیین رابطه بلندمدت بین متغیرها در جدول (۳) گزارش شده است:

جدول (۳): رابطه بلندمدت بین متغیرهای تحقیق

متغیرها	اشتغال	تولید ناخالص داخلی	مالیات
ضرایب نرمال شده	۱/۰۰۰۰۰۰	۰/۲۶۸۷۳۶	-۰/۰۲۶۶۷۹
خطای استاندارد		(۰/۰۱۹۴۹)	(۰/۰۰۹۰۳)
آماره t		۱۳/۷۸۸۴	-۲/۹۵۴۴

منبع: محاسبات تحقیق

همان طوری که ملاحظه می شود مطابق آزمون حداکثر مقدار ویژه و آزمون اثر برای مدل در سطح اطمینان ۵ درصد، فرض عدم وجود هم انباشتگی در مقابل یک بردار هم انباشتگی رد می شود. بر اساس انجام آزمون های اثر و ماکزیمم مقادیر ویژه وجود یک بردار هم انباشتگی برای مدل تأیید شد.

نتایج حاصل از تخمین مدل به روش VECM و برآورد

جدول بالا رابطه بلندمدت بین سیاست های مالی و اشتغال را طی دوره مورد بررسی نشان می دهد. بر اساس نتایج به دست آمده بین تولید ناخالص داخلی و اشتغال طی دوره مورد بررسی رابطه مثبت وجود دارد، در حالی که

جدول (۴): رابطه کوتاه مدت بین متغیرهای تحقیق «نتایج مدل تصحیح خطا و ضرایب کوتاه مدت مدل (متغیر وابسته میزان اشتغال)»

تفاضل متغیر مالیات با یک وقفه	تفاضل متغیر تولید ناخالص داخلی با یک وقفه	تفاضل متغیر اشتغال با یک وقفه	جزء تصحیح خطا
-۰/۰۲	۰/۱۰	۰/۰۵	-۰/۱۳
-۱/۹۶۰۱	۲/۶۵۷۴	۱/۶۸۹	۲/۳۴۵
			آماره t

منبع: محاسبات تحقیق

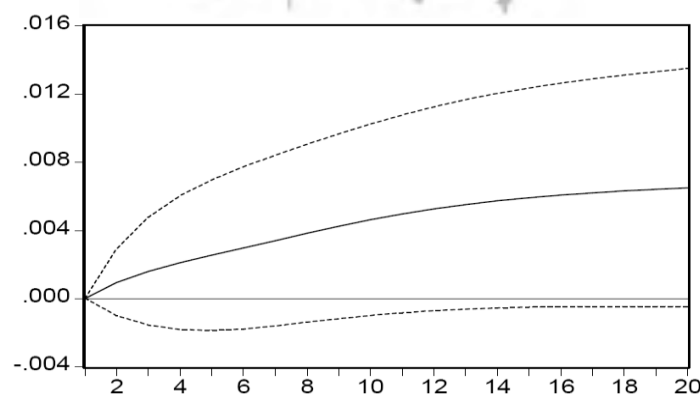
می کنند اما سرعت تعدیل تقریباً اندک می باشد به نحوی که در هر دوره ۱۳ درصد از انحرافات از تعادل بلندمدت از بین می رود.

۴-۳- توابع عکس العمل آنی^۲ (ضربه و پاسخ)

یکی از کاربردهای الگوی VAR که بوسیله سیمز (۱۹۸۰) و دیگران استفاده شد، بررسی واکنش متغیرهای الگو نسبت به شوک های به وجود آمده در هر یک از متغیرها است. که در این حالت X_t و Y_t را تابعی از روش های جاری و با وقفه η_{1t} و η_{2t} نوشته و به آنها تابع عکس العمل گویند.^۳ به عبارت دیگر این توابع مسیر پویایی سیستم در پاسخ به شوک های وارده را نشان می دهند.

پس از شناسایی و تخمین مدل مربوطه در قسمت های قبلی تحقیق، مرحله بعدی، بررسی روابط متقابل و پویا بین متغیرهای مدل می باشد. در این قسمت اثرات شوک های وارده از طرف متغیرهای توضیحی مدل نظیر تولید ناخالص داخلی و مالیات را بر اشتغال در ایران مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار می گیرد.

ضرایب کوتاه مدت حاصل از تخمین مدل VECM در جدول چهار نشان داده شده است. تخمین مدل تصحیح خطا بدین صورت است که تصریح اولیه این مدل بر اساس چهار وقفه زمانی هر یک از متغیرهای درونزا شروع شده است. در ادامه تحلیل به صورت سیستمی در مدل تصحیح خطا و بر اساس آزمون متغیر حذف شده والد، وقفه های بی معنی (از لحاظ آماری) متغیرهای توضیحی با اطمینان از عدم خودهمبستگی سریالی بین اجزاء اخلاص، حذف گردیده و در نهایت تمام معادلات با یک وقفه زمانی برآورد می گردند. همانطور که در جدول ۴ نشان داده شده است، متغیر تولید ناخالص داخلی در کوتاه مدت تاثیر مثبت و معنی دار بر حجم اشتغال دارد در حالی که تاثیر مالیات بر اشتغال در کوتاه مدت منفی و معنی دار می باشد. ضریب جزء تصحیح خطا که نشاندهنده انحراف از تعادل بلندمدت مدل می باشد، برابر با -۰/۱۳ و معنی دار می باشد و متغیرهای توضیحی مدل در جهت رسیدن به تعادل بلندمدت حرکت می کنند و عدم تعادل بوجود آمده در مدل را برطرف



نمودار (۱): واکنش پویای اشتغال نسبت به شوک ناشی از افزایش تولید ناخالص داخلی

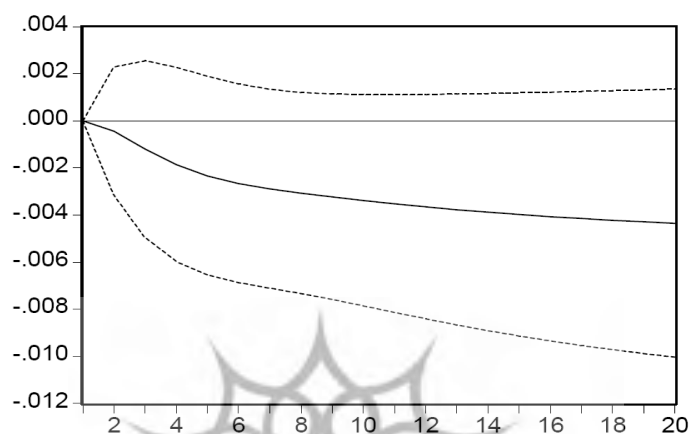
1. lag exclusion Wald test

2. Impulse Response Function

۳. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به: حمید ابریشمی، اقتصادسنجی کاربردی (رویکردهای نوین)، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱

افزایش می یابد و با افزایش تولیدات، بنگاه ها اقدام به جذب نیروی کار بیشتری خواهند کرد. در نتیجه میزان اشتغال از روندی صعودی برخوردار می باشد. در بلندمدت تاثیر افزایش تولید ناخالص داخلی بر اشتغال مثبت بوده و تابع واکنش نیز در بلندمدت میرا و پایدار است.

همان طور که در نمودار بالا مشاهده می شود در اثر شوک ناشی از افزایش تولید ناخالص داخلی طی دوره مورد بررسی میزان اشتغال از روندی فزاینده برخوردار خواهد بود. می توان گفت با افزایش تولید ناخالص داخلی، تقاضای کل در جامعه افزایش می یابد و با افزایش تقاضای کل عرضه محصولات و تولیدات



نمودار (۲): واکنش پویای اشتغال نسبت به شوک های ناشی از افزایش مالیات ها

می آیند. جدول زیر نشان دهنده میزان تاثیر متغیرهای تولید ناخالص داخلی، مالیاتها و میزان اشتغال در دوره های قبل بر اشتغال در دوره های مختلف می باشد. بر اساس این اطلاعات در شروع دوره مورد بررسی ۱۰۰ درصد تغییرات متغیر اشتغال توسط خود آن متغیر توضیح داده می شود. در دوره دوم توضیح دهنده این متغیر حدود ۰/۹۸ درصد کاهش یافته ولی باز هم بیشترین درصد تغییر در دوره دوم مربوط به این متغیر است و در فاصله دوره دوم تا بیستم این مقدار به ۴۹/۳۶ درصد کاهش می یابد. بر اساس جدول تجزیه واریانس، در طی زمان تغییرات اشتغال از ۱۰۰ درصد در دوره اول به حدود ۴۹/۳۶ درصد در دوره بیستم رسیده است. و به طور کلی در طی زمان تغییرات اشتغال، ۱۹/۹ درصد مربوط به تولید ناخالص داخلی و ۹/۸۵ درصد از تغییرات مربوط به مالیات ها می شود.

نمودار بالا نشان دهنده واکنش پویای اشتغال در اثر شوک وارده بر مالیات ها می باشد. همان طور که در این نمودار مشاهده می شود با افزایش مالیات ها میزان اشتغال روندی کاهشی خواهد داشت.

۴-۴- تجزیه و تحلیل واریانس

این روش برای توصیف پویایی یک مدل به کار می رود و یکی از ابزارهای مهم برای بررسی عملکرد پویای میان متغیرهاست که نشان دهنده درصد توضیح دهندگی هر یک از متغیرها از تغییرات متغیر وابسته طی زمان می باشد. به عبارت دیگر بیانگر این نکته است که در طی زمان چند درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط هر یک از متغیرهای موجود در مدل توضیح داده می شوند. در مجموع باید گفت، تجزیه واریانس در کنار تحلیل واکنش آنی، که گاه حسابداری شوک ها^۱ نیز نامیده می شوند، روش مهمی برای بررسی روابط بین متغیرها به شمار

جدول (۵): تجزیه واریانس اشتغال

دوره	خطای پیش بینی	اشتغال	تولید ناخالص داخلی	مالیاتها
۱	-/۰.۱۱۴۸۷	۱۰۰/۰۰۰۰	-/۰.۰۰۰۰۰	-/۰.۰۰۰۰۰
۲	-/۰.۱۵۵۰۳	۹۸/۵۶۳۹۴	-/۰.۳۷۱۷۸۸	-/۰.۷۷۱۸۸
۳	-/۰.۱۸۳۲۳	۹۶/۳۲۱۴۴	۱/۰.۳۱۶۲۸	-/۰.۴۸۴۱۴۴
۴	-/۰.۲۰۵۹۱	۹۳/۵۶۲۸۹	۱/۸۵۷۷۰.۸	۱/۲۰.۱۵۱۹
۵	-/۰.۲۲۵۶۷	۹۰/۳۴۸۱۷	۲/۸۱۱۸۱۶	۲/۰.۶۹۹۷۰
۶	-/۰.۲۴۳۸۹	۸۶/۷۴۷۴۱	۳/۸۸۷۵۳۴	۲/۹۵۶۹۱۷
۷	-/۰.۲۶۱۳۰	۸۲/۸۹۲۸۹	۵/۰.۷۸۷۷۶	۳/۷۹۳۴۶۶
۸	-/۰.۲۷۸۳۱	۷۸/۹۵۰۳۱	۶/۳۶۸۰۲۱	۴/۵۵۶۹۷۸
۹	-/۰.۲۹۵۰۹	۷۵/۰.۷۵۴۲	۷/۷۲۶۱۹۲	۵/۲۴۷۸۹۸
۱۰	-/۰.۳۱۱۷۳	۷۱/۳۸۷۲۱	۹/۱۱۷۸۱۱	۵/۸۷۴۵۷۵
۱۱	-/۰.۳۲۸۲۳	۶۷/۹۶۱۱۹	۱۰/۵۰۷۰۹	۶/۴۴۵۹۷۷
۱۲	-/۰.۳۴۴۵۷	۶۴/۸۳۴۹۳	۱۱/۸۶۲۶۰	۶/۹۶۹۲۴۰
۱۳	-/۰.۳۶۰۷۵	۶۲/۰.۱۷۸۵	۱۳/۱۵۹۸۱	۷/۴۴۹۴۶۸
۱۴	-/۰.۳۷۶۷۵	۵۹/۵۰۰۸۸	۱۴/۳۸۱۷۶	۷/۸۹۰۳۱۱
۱۵	-/۰.۳۹۲۵۷	۵۷/۲۶۴۰۶	۱۵/۵۱۸۴۵	۸/۲۹۴۵۸۹
۱۶	-/۰.۴۰۸۱۹	۵۵/۲۸۱۹۷	۱۶/۵۶۵۶۵	۸/۶۶۴۷۴۹
۱۷	-/۰.۴۲۳۶۴	۵۳/۵۲۷۳۵	۱۷/۵۲۳۴۹	۹/۰.۳۱۲۰
۱۸	-/۰.۴۳۸۹۱	۵۱/۹۷۳۲۵	۱۸/۳۹۵۱۹	۹/۳۱۲۰۱۷
۱۹	-/۰.۴۵۴۰۲	۵۰/۵۹۴۳۶	۱۹/۱۸۵۹۱	۹/۵۹۳۷۶۱
۲۰	-/۰.۴۶۸۹۹	۴۹/۳۶۷۶۱	۱۹/۹۰۱۹۵	۹/۸۵۰۶۵۳

منبع: محاسبات تحقیق

۵- خلاصه و نتیجه گیری

همان گونه که بیان شد، با توجه به اهمیت این مسئله که اتخاذ سیاست های دولت می تواند بر میزان اشتغال تاثیرگذار باشد، در این تحقیق به بررسی چگونگی اثرات سیاست های مالی از مسیر تغییر در درآمدهای مالیاتی بر اشتغال در اقتصاد ایران طی دوره زمانی ۹۱-۱۳۵۰ پرداختیم تا تاثیر اعمال سیاست های مالی دولت بر متغیر اشتغال را مشخص نمائیم. با توجه به برآورد معادلات بلندمدت و معنی دار بودن ضرایب به دست آمده می توان گفت رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرهای برآوردی در مدل وجود دارد. در بلندمدت، افزایش تولید ناخالص داخلی طی دوره مورد بررسی بر اشتغال تاثیر مثبت و معنی دار دارد، در حالی که مالیات در این دوره تاثیر منفی بر میزان اشتغال داشته و با افزایش مالیات ها میزان اشتغال روندی کاهشی خواهد داشت.

مرجع ها

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی و ترازنامه، سال های ۱۳۸۷ - ۱۳۵۰.

برانسون، ویلیام اچ. ۱۳۷۸. *تنوری و سیاست های اقتصاد کلان*. ترجمه

عباس شاکری. تهران: نشر نی.

بیگ زاده، صدیف. ۱۳۷۹. «بررسی تأثیر سیاست های پولی و مالی بر مصرف و اشتغال در بخش کشاورزی». *پایان نامه کارشناسی*

ارشد، دانشگاه تربیت مدرس

تقوی، مهدی و رضایی، ابراهیم. ۱۳۸۳. «بررسی اثرات سیاست های مالی بر مصرف و اشتغال در اقتصاد ایران»، *پژوهشنامه اقتصادی* ۱۵، ۱۰۹-۱۳۲.

حاتمی زاده، زیور و میرشمسی، آرش. ۱۳۸۳. «تعیین اثر سیاست های مالی (مالیات ها و مخارج) بر سطح اشتغال در ایران»، *پژوهش ها و سیاست های اقتصادی* ۳۱، ۲۸-۳.

حسین، اختر و چودری، انیس. ۱۳۸۲. *سیاست های پولی و مالی در کشورهای درحال توسعه*. ترجمه محمد آسیایی و مسعود باباخانی. تهران: پژوهشکده امور اقتصادی.

زایر، آیت و غلامی، الهام. ۱۳۸۶. «بررسی آثار سیاست های مالی بر متغیرهای کلان اقتصادی در ایران با استفاده از الگوی VAR»، *مالیات و توسعه*، پیش شماره ۵، ص ۳۱.

- University Press.
- Fiorito R. & Kollintzas, T. Dec. 2004. "Public Goods, Merit Goods, and the Relation between Private and Government Consumption", *European Economic Review* 48(6), 1367-1398.
- Giavazzi, Francesco; Jappelli, Tulli; Pagano, Marco. 2000. "Searching for Non-Linear Effects of Fiscal Policy: Evidence from Industrial & Developing Countries", *European Economic Review* 44, 1259-1289.
- Green, W. H. 2004. *Econometric Analysis*. 5th Edition. Macmillan.
- Hall, Robert. E. December 1978. "Stochastic Implication of the life Cycle-Permanent Income Hypothesis: Theory and Evidence", *Journal of Political Economy*, Vol. 86, No. 6, pp. 971-987.
- Johansen, S., and K., Juselius. (1990). "Maximum Likelihood Estimation and Inference on Cointegration with Application to the Demand for Money", *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*, 52, PP. 169-210
- Keynes, J. M. 1936. *The General Theory of Employment, Interest and Money*. New York: Harcourt, Brance and Company,
- Marrero, G. A. & Novales, A. Sep. 2005. "Growth and Welfare: Distorting Versus Non-Distorting Taxes", *Journal of Macroeconomics* 27(3), 403-433.
- Marshall, Alfred. 1920. *Principles of Economics*. 8th edition. Macmillan and Co., Ltd. (First edition published: 1890)
- Miyazaki, Tomomi. (2010). "The Effects of Fiscal Policy in the 1990s in Japan: a VAR Analysis
- شریفی، نورالدین. ۱۳۹۰. «اثرات مالیات غیرمستقیم و مخارج دولت بر اشتغال و تورم: یک تحلیل داده - ستانده»، *تحقیقات اقتصادی* ۴۶(۹۵)، ۷۸-۵۹.
- عاقلی، لطفعلی و همکاران. ۱۳۸۸. «بررسی تأثیر شوک های مالی مثبت و منفی بر مصرف بخش خصوصی در ایران»، *مجله علمی - پژوهشی نامه مفید*، دانشگاه مفید قم، سال پانزدهم، ش ۷۲.
- عباسیان، عزت الله؛ مرادپور، مهدی؛ هاشم بیگی، حجت الله. ۱۳۸۵. «بررسی اثر عدم اطمینان مالیات ها بر اشتغال بخش های عمده اقتصادی ایران طی دوره ۱۳۸۳-۱۳۵۷»، *تحقیقات اقتصادی* ۷۵، ۱۹۶-۱۷۱.
- مؤید، مهدی. ۱۳۷۵. *بررسی اثر سیاست های پولی و مالی روی مصرف خصوصی در ایران (۱۳۳۸-۷۳): اثر جایگزینی و برابری ریکاردویی* (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه مازندران.
- نجاززاده، رضا و همکاران. بهار ۱۳۸۸. «بررسی تأثیر نوسانات شوک های ارزی و قیمتی بر شاخص قیمت سهام بازار بورس تهران با استفاده از رهیافت خودرگرسیون برداری»، *فصلنامه پژوهش های اقتصادی*، دانشگاه تربیت مدرس، سال نهم، شماره اول.
- Arestis, Philip. 2003. "Reinventing Fiscal Policy", *Levy Economic Institute of Bard College (Working Paper)*, No. 381.
- Berben, Robert-Paul & Brosens, Teunis. Feb. 2007. "The Impact of Government Debt on Private Consumption in OECD Countries", *Economics Letters* 94(2), 220-225.
- Bouakez, Hafedh and Rebei, Nooman. Aug. 2007. "Why does private consumption rise after a government spending shock?", *Canadian Journal of Economics-Revue Canadienne D'Economique* 40(3), 954-979.
- De Castro, F. 10 May 2006. "The Macroeconomic Effects of Fiscal Policy in Spain", *Applied Economics* 38(8), 913-924.
- Dusenberry J. S. 1949. *Income, Saving and Theory of Consumer Behavior*. Cambridge: Harvard

- Sims, C, A. 1980. "Macroeconomics and Reality". *Econometrica*, 48, 1-48.
- Van Aarle, B. and Garretsen, H. 2003. "Keynesian, non-Keynesian or no effects of fiscal policy changes? The EMU case", *Journal of Macroeconomics*, vol. 25, issue 2, pages 213-240.
- with Event Studies". *Japan and the World Economy*, 22(2), pp 80- 87.
- Pozzi, Lorenzo. 2001. "Government Debt, Imperfect Information and Fiscal Policy Effects on Private Consumption, Evidence from two High Debt Countries", *Chant University Working Paper*.

